

دریچه

فقر و فریده

یاشار مرادی

● زوج جوان سازنده «در جستجوی فریده» خیلی زود پله‌های ترقی را طی کردند و اولین نمایندگان مستندساز سینمای ایران در آکادمی اسکار شدند. برای درک اتفاقی که افتاده بد نیست ابتدا سری بزنیم به فیلم قبلی‌شان: «از ایران یک جدایی». فیلم در مورد هیجانات فیلم‌ساز، دوستانش و مردم ایران پیش و پس از جایزه اسکار فرهادی است. زوج جوان از همین فیلم و خود فرهادی کلید فتح باب جشنواره‌های سینمایی را یافتند. البته مهم‌ترین نکته آن فیلم، نگاه فیلم‌سازان به جایزه اسکار و برنده آن است. به نظر می‌رسد اگر به جای نماهای اسکار، تصاویری از گل خداداد عزیزی و صعود کاروان فوتبال ایران به جام جهانی ۹۸ را نشانید، متوجه کمتر تفاوتی نخواهید شد. او را در حرم امام هشتم شیعیان هم‌دیگر پیوند می‌دهد این است که: «جام قهرمانی خارج از خانه است». کورش عطایی متولد مشهد است. این نکته مهمی در خوانش «در جستجوی فریده» است. اما قبل از رفتن سراغ این نکته بایاید داستان فیلم را مرور کنیم: خانواده‌ای که از شدت فقر توان نگهداری نوزاد دخترشان را ندارند، او را در حرم امام هشتم شیعیان رها می‌کنند. دختر به شیرخوارگاهی در تهران فرستاده می‌شود؛ زوجی هلندی سرپرستی او را بر عهده گرفته و فریده را با خود به اروپا می‌برند، به هلند. از فقر قعر مشهد تا قلب اروپا فاصله زیادی است. حالا که فریده قصد یافتن خانواده و سفر به ایران کرده، زوج کارکردن که اتفاق یکی از آنها نیز مشهودی است او را همراهی می‌کنند. در فیلم هم فریده سفر آغاز می‌کند و هم تیم کارگردانی، یکی از هلند به ایران و دوتا از ایران به هلند. در آن سوی فیلم سه خانواده در مشهد که از خبر بازگشت فریده مطلع شده‌اند و در تاریخی مشابه فرزندان را در حرم رها کرده‌اند منتظر سفرکرده‌شان هستند. تیم کارگردانی از ایران به هلند می‌روند تا سفر را همراه با فریده آغاز کنند. از فریده تا فقر، از فقر تا فریده. برای آنها فریده به دلیل این مهم است که هلند مهم‌تر است. فیلم از هلند آغاز می‌شود و در هلند به پایان می‌رسد؛ مثل تحلیلات و داستان‌پردازی‌های فیلم‌سازان. یک ماه در زیبایی‌های هلند غوطه می‌خورند. لژیونر، سوار بر دوچرخه، با موهایی را هر باد همچون آلیسی در سرزمین عجایب به محل کار می‌رود، درحالی‌که دوربین در تراولینگکی طولانی به او چشم دوخته، رنگ‌ها گرم و شادند، همچون خانواده اروپایی و هلند عزیز. اما فیلم‌سازان برای هر خانواده مشهدی تنها یک روز وقت فیلم‌برداری دارند. هر چه باشد سوزه اصلی هلندی است. فراموش نکنید که فیلم می‌توانست در مورد هر یک یا هر سه خانواده مشهدی ساخته شود و پس از شناخت آنها، دختری از هلند نازل شود. اما فیلم‌سازان انتخاب دیگری کردند که حق آنهاست، اما نه به این قیمت که هلند را بی‌الا ببرند و بر زندگی فقیرانه آنها آوار کنند. اما چگونه آوری؟ در هوشمندانه‌ترین لحظه همان یک‌روزه که سهم خانواده‌های فقیر مشهدی بود و یک لحظه برای همه به تساوی قسمت شد: لحظه دیدار دختر هلندی با خانواده‌های رنجور مشهدی. کاش فیلم را در سینما ندیده باشید. فیلم‌سازان توانستند به خوبی صدای تماشاگران را دریاورند. شرم بود و خجالت که جان می‌گرفت. خجالتی در پیشگاه هلند و اروپا! خارجا! خارجی که کارگردانان با این فیلم رضایتش را جلب خواهند کرد. البته فیلم‌سازان شلاق‌زدن به بدن‌های رنجور فقر را خوب می‌شناسند. بار دیگر و این بار فریده در خانه محقرشان نشسته و اعضای مفلوک خانواده به جان هم می‌افتند. اگر فیلم را ندیده‌اید اشتباه مرا تکرار نکنید و به دیدن فیلم ادامه ندهید. با لاقال در سینما نبینید تا وقتی که جواب آزمایش‌ها مشخص شده و یکی یکی به دست خانواده‌ها داده می‌شود فریادهای تماشاگران را نشنودید: «نه، نه، این پدرش نباشه»، «نه، نه، این مادرش نباشه»، «نه، نه، این برادرش نباشه»، «نه، نه، این خواهرش نباشه». «نه، نه، کارگردان‌های جوان، دختر هلندی را برادرید و با خود بریید هلند، بعد هم بروید آمریکا کارتان را بگیرید تا از ایران یک در جست‌وجوی اسکار» دیگر شناسید. فارغ از همه موارد فوق، فیلم چیزی در حد مستندهای بی‌بی‌سی انگلیسی است. می‌گویم انگلیسی چراکه بی‌بی‌سی فارسی چندی‌پیش فیلمی با همین موضوع به کارگردانی ژاکار کل ساخت. فیلمی‌که به این اندازه خوش‌ساخت نبود و حتی در موضع‌گیری‌اش نیز جانب انصاف را رعایت کرده بود. در آن فیلم (دختر کمشده حلبیچه) ابتدا خانواده ایرانی را می‌بینیم که راز چندساله را به دخترشان می‌گویند و دختر که پس از حمله شیمیایی به حلبیچه از خانواده‌کرد خود در عراق جدا مانده، برای یافتن خانواده، از شمال ایران رهسپار حلبیچه می‌شود. فیلم بر است از آمارهای دقیق در مورد جنگ و مصاحبه با خانواده‌هایی که امید دارند مریم دختر آنها باشد. در این فیلم نیز همان رویوایی‌ها و همان زمان کوتاه را شاهدیم، ولی سوالات و لحظات به‌نوعی انتخاب شده‌اند که مخاطب با خانواده جنگ‌زده حس نزدیکی پیدا کند و مدام از لحظه جدای خانواده‌ها می‌پرسد و مدام با نشان دادن تصاویر و اطلاعات مربوط به جنگ و حمله شیمیایی به حلبیچه به دلیل جدایی نیز می‌پردازد، چیزی که در فیلم در جستجوی فریده غایب بود و تفاوت دیگر این است که در پایان مخاطب به جز خوشحال‌ی از پیداشدن خانواده مریم برای دیگر خانواده‌ها ناراحت می‌شود. چیزی غمین‌تر از این حتی: اعلام «در جستجوی…» به‌عنوان نماینده اسکار بود. انتخاب فیلم به این دلیل داغ شد که مدعیان، رقیب دیگرش «متری شیش‌وینم» را نشایست‌تر می‌دانستند، فیلم دیگری در مورد فقر که ترکیب‌شان می‌تواند داغی مضاعف باشد بر جگر فقر و سینمای فقیر ایران.

روزنامه شتر

سه‌شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۸ • ۹ صفر ۱۴۴۱ • ۸ اکتبر ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۵۴۴ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۵۷ • اذان صبح فردا ۴:۴۲ • طلوع آفتاب ۶:۰۵

روزنفرها

کارتون خواب

میهایی ایگنات



تقصه‌های شهر

ای میدان، دورت بگردم!



گیتی صفرزاده

بعضی‌ها عقیده دارند امر اخلاقی یعنی بتوانی خودت را جای دیگری بگذاری. حالا این امر حتما تبصره و توضیحاتی هم دارد اما من معمولا در کوشه و خیابان خودم را جای دیگران می‌گذارم. مثلا وقتی به میدان هفت‌تیر می‌رسم و می‌بینم شهردار جدید جای آن کارگاه زشت و آلوده‌کننده وسط میدان، یک فضای باز و سبز درست کرده است، خیلی خوشحال می‌شوم اما وقتی می‌خواهم از این سمت میدان به آن سمت بروم و می‌بینم تنها راه عبور با زیرگذر پله‌های مترو است یا پل هوایی بالای میدان، ناخودگاه خودم را جای یک معلول حرکتی می‌گذارم و ناگزیر همان وسط میدان ثناگویمان به شهردار سر جایم باقی می‌مانم. گاهی وقت‌ها داخل پیاده‌رو که هستم، خودم را جای یک مادر خوشبخت می‌گذارم که هنوز فرزندش کوچک است و پا و زبانش باز نشده و لاجرم او را داخل کالسکه نشاند و با خود به بیرون آورده است. در همین رؤیای خوش هستم که به چند بولارد می‌رسم و همان‌جا با کالسکه متوقف می‌شوم تا وقتی که بچه‌ام بزرگ و خودش از لابه‌لای بولاردها رد شود. اگر نمی‌دانید بولارد چیست، باید بگویم همان میله‌های فلزی هستند که بکپو وسط پیاده‌روها جلوی پاتیان سبز می‌شوند تا موتورسوارها نتوانند داخل پیاده‌رو بایزند؛ همچنین کالسکه بچه‌ها و چرخ معلولان و واکر سالمندان!

نشست

نقش محوری عاطفه در شناخت اجتماعی
شرق: دویست و نود و هفتمین سمینار ادواری عصب‌پژوهی اجتماعی به«نقش محوری عاطفه در شناخت اجتماعی» اختصاص دارد. سخنرانان این نشست دکتر زهرا مرادی و دکتر عبدالرحمن نجل‌رحیم هستند. این سمینار روز پنجشنبه، ۱۸ مردادماه، از ساعت هشت‌ونیم تا یازده‌ونیم صبح در سالن کنفرانس بیمارستان ایرانمهر (خیابان شریعتی، دوراهی قلهک) برگزار می‌شود. در پایان نشست نیز صاحب‌نظران و علاقه‌مندان درباره موضوع به بحث و تبادل‌نظر می‌پردازند. ورود برای عموم آزاد است. گفتنی است دکتر عبدالرحمن نجل‌رحیم از جمله پایه‌گذاران سلسله سمینارهای عصب‌پژوهی در ایران است. این سمینارها از سال

مطالبات

تضاد بین قانون و عرف



زهرا نژادپهرام*

ناگفته نماند گاهی این فشارهای بیرونی به انسدادهایم منجر می‌شود. برای مثال، تحرک اجتماعی به نام «روسری سفیدها» شکل گرفت اما به دلیل آنکه از سوی رسانه‌های آن سوی مرزها تأیید شد، به یک اتفاق امنیتی تبدیل شد. این تحرک اجتماعی هنوز به مرحله مطالبه نرسیده بود که رسانه‌های بین‌المللی روی آن تأکید کردند و در همان ابتدای کار، به سه حرکتی ضدارزش و امنیتی تبدیل شد تا این تحرک نتواند اعتراضات خود را مطرح کند. در این‌باره نهادهای حقوق‌بشری نه تنها باعث پیشرفت نشدند، بلکه انسدادی ایجاد کردند. در حال حاضر مهم‌ترین دغدغه و مطالبه زنان «اشتغال» است. سال ۱۳۹۴ مطالبات زنان در هشت کلان‌شهر ایران بررسی شد. طبق این تحقیق، سه دغدغه اصلی زنان اشتغال، رفع تبعیض و امنیت است و موضوع حجاب در هفتمین رتبه مطالبه قرار گرفته بود. زنانی که می‌خواهند به ورزشگاه بروند، نسبت به زنانی که دغدغه فرزندان‌شان را دارند، زنانی که خشونت خانگی نفس آنها را بریده و زنانی که تحت فشار روزهای بعد از اسیدپاشی هستند، صدای بلندتری دارند. در واقع بررسی‌ها آشکارا راه خود را پیدا می‌کند چراکه افرادی که مدافع این مطالبات هستند، دسترسی راحتی به فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها دارند اما بستری برای بروز مطالبات نهان وجود ندارد. این دسته از مطالبات در موضوعات رفع تبعیض است. با تصویب برابری دیه زن و مرد، عنوان کردم برای اولین بار به یک موفقیت دست یافته‌ایم و تأمین مابه‌التفاوت دیه مشکل دولت است. برای برابری دیه زن و مرد راهکاری پیدا و تبدیل به یک قانون شد. لایحه «امنیت زنان» نیز راهکار مناسبی برای مرتفع‌شدن بسیاری از دغدغه‌های زنان بود. البته این لایحه برآیند همه نظرات نیست. ما در مسائل حقوقی نواقص بسیار زیادی داریم. برای مثال، زنان برای مراجعه فرزندان‌شان به بیمارستان به امضای همسر خود نیاز دارند. طبق قانون، اگر برای بچه‌ای اتفاقی رخ دهد، قانون به پدر اجازه داده است از رئیس بیمارستان شکایت و جریمه‌های سنگینی دریافت کند. اما عرف می‌گوید صاحب بچه مادر است. در حال حاضر بین قانون و عرف تضاد وجود دارد که باید از بین برود. در حضانت هم این تضادها وجود دارد. نگهداری فرزندان ذکور تا دو سال و فرزندان دختر تا هفت سال با مادر است. در حالی که قانون باید حضانت را به مادر دهد، مگر در موارد استثنا. ایجاد آشتی بین عرف و قانون راهکاری است که حقوق‌دانان از پس آن بر می‌آیند. انتظار ما در آغاز دهه پنجم انقلاب از قوه قضائیه این است که آشتی بین عرف و قانون را به وجود آورد.

✦ **عضو هیئت‌رئسه شورای شهر تهران**

آکادمی

معرفی برندگان نوبل فیزیولوژی یا پزشکی ۲۰۱۹

درک اهمیت عنصر اکسیژن در جانوران

و راتکلیف، پرده از روی مکانیسم‌هایی برداشت که به واسطه آنها سلول‌های ما میزان اکسیژن را حس می‌کنند، به نوسانات آن پاسخ می‌دهند و در نهایت باعث افزایش اکسیژن‌رسانی به بافت‌های بدن و تغییر در متابولیسم ما می‌شوند. اولین گزارش‌های مربوط به فاکتورهای القایی هیپوکسی (مقدار اکسیژن کم‌بافت) در اوایل دهه ۱۹۹۰ ظاهر شد و این سال‌ها ما متوجه نقش حیاتی‌ای که این فاکتورها در فیزیولوژی روزمره ما ایفا می‌کنند، شده‌ایم. این فاکتورها نقش پررنگی در انطباق بدن انسان‌ها به زندگی در ارتفاعات و سناریوهایی بی‌شمار زیست‌پزشکی دارند. هیپوکسی ویژگی اصلی بسیاری از بیماری‌ها از جمله نارسایی قلبی، بیماری‌های مزمن ریه و بسیاری از سرطان‌هاست. کار این سه دانشمند و تیم تحقیقاتی‌شان راه را برای فهم بیشتر این شرایط مشترک، تهدیدکننده زندگی و راهکارهای جدید برای درمان آنها هموار کرده است. اعلام تدریجی نام برندگان جوایز شش‌گانه نوبل سال ۲۰۱۹ میلادی از دیروز آغاز شد و تا پایان هفته ادامه خواهد داشت. مبلغ جایزه که بین این سه دانشمند تقسیم می‌شود، ۹۱۳ هزار دلار است. - ویلیام جی. کالین جونپور ۶۱ سال دارد. او آزمایشگاه تحقیقاتی خود را در انستیتوی سرطان دانا-فاربِر تأسیس کرد و در سال ۲۰۰۲ به درجه استاد کلین در دانشکده پزشکی هاروارد نائل شد. وی از سال ۱۹۹۸ به عنوان محقق در مؤسسه پزشکی هوارد هیوز، مستقر در مرلند، است. - پیتَر جی. راتکلیف ۶۵ساله مدیر تحقیقات بالینی در مؤسسه فرانسیس کریک در لندن، مدیر مؤسسه ترگت دیسکوری در آکسفورد و عضو مؤسسه تحقیقات سرطان لودویگ است. - گرگ اچ. سمزنا ۶۳ سال دارد. او در سال ۱۹۹۹ استاد کامل دانشگاه جان هاپکینز شد و از سال ۲۰۰۲ تاکنون مدیر برنامه تحقیقات عروقی در مؤسسه مهندسی سلول جان هاپکینز است.



بابک پنان پژوهشگر دانشگاه وندربیلت

جایزه نوبل فیزیولوژی یا پزشکی امسال به‌طور مشترک به دو دانشمند آمریکایی و یک دانشمند انگلیسی اعطا شد. آکادمی نوبل روز دوشنبه هفتم سپتامبر (۱۵ مهر) نام گرگ اچ. سمزنا، ویلیام جی- کالین جونپور از ایالات متحده و پیتَر جی. راتکلیف از بریتانیا را به عنوان برندگان جایزه نوبل پزشکی فیزیولوژی سال ۲۰۱۹ میلادی اعلام کرد. این سه دانشمند موفق شده‌اند دربراره چگونگی درک سلول‌ها از میزان اکسیژن در دسترس و همچنین شیوه سازگاری خود با آن، به دانش قابل‌توجهی دست یابند. به گفته مجمع نوبل، این سه دانشمند به درک فرایند سولوی‌مولکول‌ای منجر شده است که جوان‌ترها دوردر می‌زنیم و هیچ کوجه‌ای باقی نمانده است که سرش پسرکان عاشق منتظر عبور معشوق‌شان مانده باشند؛ و هیچ رهگذری باقی نمانده که در پیاده‌رو به ما صبح بخیر بگوید. نقش اکسیژن در فرایند تبدیل مواد غذایی به انرژی مفید مدت‌هاست که کشف شده است، اما روشی که سلول‌ها طی آن با تغییر سطح اکسیژن سازگار می‌شوند، تاکنون ناشناخته بوده است. درواقع این سه دانشمند کشف کردند که چگونه سلول‌ها می‌توانند نسبت به تغییرات میزان اکسیژن در دسترس حساس و در ادامه با آن سازگار شوند و در نهایت مؤلفه‌هایی را شناسایی کردند که نحوه پاسخ ژن‌ها به میزان اکسیژن را تنظیم می‌کند. این کار راه را برای کشف استراتژی‌های جدید برای مبارزه با کم‌خونی، سرطان و بسیاری از بیماری‌های دیگر هموار کرده است. گفتنی است اکسیژن برای زندگی جانوران اساسی است و به میتوکندری‌های ما این امکان را می‌دهد که انرژی را از غذایی که می‌خوریم، استخراج کنند. تحقیقات و پژوهش‌های کالین، سمزنا

کودک

روز جهانی بدون تبعیض

نبی‌اله عشقی‌ثانی

● ۱۶ مهر مصادف با هشتم اکتبر در ایران روز جهانی کودک است. یونیسف به عنوان یکی از نهادهای سازمان ملل متحد همه انسان‌هایی را که کمتر از ۱۸ سال دارند، کودک تلقی می‌کند و آنها را مشمول حمایت‌های این دوران می‌داند. روز جهانی کودک برای این منظور انتخاب شده است تا به همه کودکان توجه ویژه شود و از دست‌اندرکاران امور کودکان تقدیر به عمل آید. کودکان اولاً باید تحت مراقبت والدین باشند و مسئولیت اداره امور زندگی آنان با پدر و مادرشان است که موظف‌اند امکانات لازم برای تأمین نیازهای اساسی مثل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، تحصیل و پرورش توانمندی‌های آنان را تأمین کنند. ثانیاً دولت‌ها موظف‌اند تسهیلات لازم برای تعلیم و تربیت کودکان را فراهم کنند.

به موجب قوانین بین‌المللی و کشور ما واگذاری شغل و کار به کودکان منع قانونی دارد زیرا در سنی هستند که آموزش و تعلیم و تربیت آنان در اولویت است و کسانی که به کودکان شغلی را واگذار کنند مرتکب امر خلاف شده‌اند. براسر قانون اساسی دولت مکلف به تأمین شرایط و امکانات لازم جهت تحصیل رایگان کودکان تا پایان تحصیلات متوسطه است که همان حدود ۱۸ سالگی می‌شود. یونیسف می‌گوید به همه کودکان بدون هیچ استثنائی توجه ویژه شود؛ کودک فقیر، ثروتمند، شهری، روستایی، سالم، مریض، معلول، بی‌سرپرست، نیازمند و... همه باید مشمول حمایت‌های لازم و قانونی باشند و نیازهای اساسی آنان اکتفا نشود تا به‌عنوان یک فرد مفید برای خودشان و کشور تربیت شوند و از توانمندی‌هایشان برای اداره جامعه استفاده شود.



با وجود تأکیدات مکرر دین مبین اسلام و آموزه‌های مذهبی برای حمایت و توجه ویژه به ایتم عزیز و کودکان بی‌سرپرست متأسفانه هم‌روزه مشاهد می‌کنیم که تعداد زیادی از کودکان به دلیل بی‌سرپرستی و ناتوانی خانواده یا فقر فرهنگی در معابر عمومی به فروش فال و گل، پاک‌کردن شیشه اتومبیل و امثال آن مشغول هستند و برخی نیز با نكدی‌گری روزگار می‌گذرانند یا به وسیله باندهای مواد مخدر و... اجیر می‌شوند و در انواع آسیب‌های اجتماعی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، در نتیجه مرتکب بزه می‌شوند و تعدادی از آنها در زندان‌ها و کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند. برابر قوانین جاری، سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی و شهرداری‌ها برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مسئولیت مستقیم و مشترک دارند تا به ساماندهی آسیب‌های اجتماعی و آسیب‌دیدگان آنها بپردازند. که اکثریت آنها کودک هستند، بپردازند. برخی اطلاعات حاکی از این‌است که هم‌اکنون بیش از ۱۰ هزار کودک بدون سرپرست در شیرخوارگاه‌ها و خانه‌های کودکان و نوجوانان بهزیستی تحت مراقبت شبانه‌روزی هستند و تعداد بیشتری نیز با حمایت بهزیستی نزد افراد داوطلب و بستگانشان زندگی می‌کنند، یا زیر نظر کمیته امداد و خیریه‌ها قرار دارند. یادآور می‌شود این گروه، از جمله کودکان خاصی هستند که به نوعی از حمایت‌های لازم برخوردارند. جای هشدار برای کودکانی است که متأسفانه با وجود داشتن شرایط به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی از هر نوع حمایت و برنامه مراقبتی و تربیتی و آموزشی محروم هستند و در آینده ممکن است به بزهکاری بپردازند که همه مسئولان و مردم در مقابل آنان باید پاسخ‌گو باشند. اگر کودک بی‌سرپرستی از ناچاری و فقر و گرسنگی از دیوار خانهای بالا برود و مرتکب بزه و حتی جانیی شود یا به خرید و فروش مواد مخدر بپردازد، همه ما مسئول هستیم که می‌دانستیم و کاری نکردیم. ثروتمندان و مرفهان بزرگوار نیز اگر برای اصلاح آسیب‌دیدگان اجتماعی و ساماندهی آنان مداخله نکنند، در آینده زندگی آنان نیز با مخاطراتی مواجه می‌شود. با سیاست‌گذاری و تقدیر از همه دست‌اندرکاران امور کودکان در دستگاه‌های متولی، خیریه‌ها و سایرین که بسیار زحمت می‌کشند و فداکاری می‌کنند تا امر تعلیم و تربیت کودکان به درستی انجام شود و انسان‌هایی توانمند و موفق برای جامعه آینده تربیت شوند از این فرصت روز جهانی کودک استفاده کرده و همه را دعوت می‌کنیم که دست به دست هم دهیم و برای آینده کودکان این سرزمین و انجام هر نوع همکاری مشترک برای توانمندسازی کودکان این سرزمین اقدام کنیم.